

بررسی مؤلفه‌های راهبردی مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری

سیدعباس حسن‌نیا مقدم^۱ - محمدرضا قاعدی^۲ - محمدرضا دهشیری^۳ - گارینه کشیشیان‌سیرکی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۴

چکیده:

هر کشور راهبردی در سیاست خارجی خود دارد. هر راهبرد، به روابط خارجی کشور جهت مشخصی می‌دهد. ایران، پس از انقلاب، راهبرد سیاست خارجی عدم‌تعهد را با شعار «نه شرقی، نه غربی» در پیش گرفت که راهبردی فعال است. ایران با تعمیق این راهبرد بر اساس نظر مقام معظم رهبری، در عمل به اجرای راهبرد مقاومت پرداخته است، بنابراین، پرسش مقاله آن است که «مؤلفه‌های راهبردی مقاومت بر اساس اندیشه‌های رهبر انقلاب اسلامی چیست؟» در پاسخ در فرضیه آمده است: «مؤلفه‌های اصلی مقاومت عبارتند از گرایش به آرمان‌خواهی در عین توجه به واقعیت‌های موجود، توجه به قدرت نرم در عین افزایش توان قدرت سخت، در نظر گرفتن وجود هرج و مرج در نظام بین‌الملل، ایجاد شبکه ساختاری مقاومت از طریق افزایش کارگزاران منطقه‌ای، با هدف مقابله با نظام سلطه». روش تحقیق، تحلیلی است و هدف اصلی آن تشخیص مؤلفه‌های راهبرد مقاومت با توجه به اندیشه رهبری در عرصه روابط خارجی و بررسی این مؤلفه‌هاست.

واژگان کلیدی: رهبری، مقاومت، راهبرد، سیاست خارجی، روابط خارجی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی روابط بین‌الملل، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران
sayd.moghaddam@gmail.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران: نویسنده مسئول
ghaedi1352@gmail.com

^۳ - دانشیار و عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل، دانشکده وزارت امور خارجه، تهران، ایران
mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

^۴ - استادیار و عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
g.keshishiyan71@gmail.com

مقدمه

هر کشور برای تنظیم روابط خارجی خود، نوعی از سیاست خارجی را به کار می‌برد. اتخاذ هر یک از راهبردهای سیاست خارجی، شامل اتحاد و ائتلاف، انزوای طلبی، حفظ وضع موجود، تجدیدنظرطلبی، بی‌طرفی و عدم‌تعهد، توسط رهبران، جهتی خاص به تأمین منافع و امنیت ملی آن کشور می‌دهد. در کنار این موارد شکل برآورده کردن چنین راهبردهایی نیز دارای اهمیت است، برای نمونه کشوری می‌تواند در پی ایجاد موازنه منفی یا مثبت باشد. برخی کشور-ها نیز می‌توانند راهبرد تازه‌ای در سیاست خارجی خود پدید آورند. در این راستا، موضوع دیگر دارای اهمیت آنکه، پس از تحولات سیاسی داخلی و یا بین‌المللی، کشورها راهبرد سیاست خارجی خود را تغییر می‌دهند، مثلاً اینکه در یک کشور کودتا یا انقلاب شکل بگیرد که نمونه‌ای از آن، ایران است. نظام سیاسی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تغییر کرد و به این لحاظ، راهبرد سیاست خارجی آن نیز از اتحاد با غرب و آمریکا، با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، راهبرد عدم‌تعهد فعال^۱ را اتخاذ نمود که دو دهه تداوم داشت. اما در دهه دوم انقلاب اسلامی، بر اساس آرای رهبر معظم انقلاب، راهبردی به وجود آمد و به فعلیت کامل رسید که باید بر آن مقاومت نام نهاد. حال سوال اصلی این مقاله آن است که «مؤلفه‌های راهبردی مقاومت بر اساس اندیشه‌های رهبر انقلاب اسلامی چیست؟» در فرضیه آمده: «مؤلفه‌های اصلی مقاومت عبارتند از گرایش به آرمان‌خواهی در عین توجه به واقعیت‌های موجود، توجه به قدرت نرم در عین افزایش توان قدرت سخت، در نظر گرفتن وجود هرچومرج در نظام بین‌الملل، ایجاد شبکه ساختاری مقاومت از طریق افزایش کارگزاران منطقه‌ای، با هدف مقابله با نظام سلطه». به علاوه، این راهبرد از نگاه نظری، به نظریه واقع‌گرایی تهاجمی شباهت دارد، اگر چه تفاوت‌هایی با آن بر اساس آرمان‌گرایی شیعی دارد». روش بررسی این فرضیه، روش تحلیلی است و هدف اصلی آن تشخیص و بررسی این مؤلفه‌ها در عرصه روابط خارجی است.

۱- پیشینه

کدخدایی و عسکری (۱۳۹۸) در مقاله «دکترین امنیتی ج.ا. ایران با تاکید بر بازدارندگی فعال و حفظ ضربه دوم»، به بخش از راهبرد دفاعی ایران پرداخته‌اند. این مقاله تلاش دارد تا بر اساس توان موشکی بومی، راهبرد دفاعی کشور را بررسی کند. در این راهبرد، جمهوری اسلامی توان موشکی خود را برای دفاع افزایش داده است. قوت این مقاله نیز تمرکز بر توسعه

^۱ - عدم تعهد می‌تواند به صورت منفعل نیز اتخاذ شود.

توان موشکی ایران است. نوآوری مقاله حاضر آن است که در راهبرد مقاومت را افزایش توان نظامی ایران را هم دفاعی و هم تهاجمی می‌داند، این توان تهاجمی غیرمستقیم و از طریق ساختار شبکه مقاومت است.

برزگر و رضایی (۱۳۹۵) در مقاله «راهبرد دفاعی ایران از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» تلاش کرده‌اند، به بررسی شناخت ابعاد علمی و نظری تفکر راهبردی مقام معظم رهبری از منظر مکتب رئالیسم بپردازند. آنها معتقدند اندیشه‌های دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر افزایش «امنیت نسبی» و نه «قدرت نسبی» است؛ که به شکلی واقع‌گرایانه و با ملاحظات اسلامی صورت‌بندی شده که در راستای فعال‌سازی الگوهای معطوف به بازدارندگی فعال است. قوت این مقاله تمرکز صرف بر حوزه راهبردی است و ضعف آن، اینکه بیان نکرده این راهبرد دفاعی نیز بخشی از راهبرد کلی مقاومت است. نوآوری مقاله حاضر آن است که راهبرد مقاومت را راهبرد کلی جمهوری اسلامی می‌داند.

عطار و علی‌محمدی (۱۳۹۵) در مقاله «راهبرد تنش‌زدایی در سیاست خارجی ایران (۱۳۸۴-۱۳۶۸)؛ درس‌هایی برای آینده»، بیان کرده‌اند تنش‌زدایی در طی سال‌های مذکور بر اساس گفتمان گفتگوی تمدن‌ها به وجود آمده است. در این مقاله، راهبرد تنش‌زدایی یکی از راهبردهای عقلانی سیاست خارجی ایران معرفی شده است. نقطه قوت اثر بررسی همه‌جانبه این راهبرد است. اما نقطه ضعف، بررسی نکردن نتایج این راهبرد است. مقاله حاضر به عنوان نوآوری ادعا دارد که راهبرد اصلی حتی در همان دوره تاریخی نیز مقاومت بوده است.

۲- مبانی نظری

در تعریف، سیاست خارجی عبارت است از: «راهبرد یا بخشی از یک نقشه برای تصمیم‌گیری یک کشور در برابر کشورهای دیگر یا نهادهای بین‌المللی، برای دست یافتن به منافع ملی». (Plano and Olton, 1982: 6) اما راهبرد^۱ مفهومی است که از عرصه نظامی نشأت گرفته و سپس در عرصه سیاست از کاربرد زیادی برخوردار شده. «راهبرد یعنی اینکه کاری که دیگران انجام می‌دهند را با منابع کمتر بتوان انجام داد». (Porter, 1996: 61) راهبرد، در سیاست خارجی، راهبرد برای این انتخاب می‌شود که کشورها در رقابت با دیگر بازیگران ملی و بین‌المللی بتوانند منافع و امنیت ملی خود را حفظ نمایند.

راهبردهای سیاست خارجی دارای انواعی هستند که به اجمال بیان می‌شود: «اتحاد و ائتلاف:

^۱ - Strategy

برقرار کردن رابطه مستحکم با دیگر واحدهای ملی. انزوطلبی: قطع روابط با دیگران و اتکای کامل به خود. حفظ وضع موجود: تلاش برای تغییر نکردن آنچه در حال حاضر در یک منطقه یا نظام بین‌الملل وجود دارد. تجدیدنظرطلبی: بر هم زدن نظم موجود که منافع دیگر واحدهای ملی را بیش از واحد خود، تأمین می‌کند. بی‌طرفی: دخالت نکردن در وضعیت سیاسی منطقه‌ای یا بین‌المللی در عین حفظ روابط واحد ملی با دیگران. عدم‌تعهد: یک واحد ملی در عین داشتن روابط با همه واحدها، نسبت به ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ هیچ تعهدی ندارد». (لابل و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۹)

عوامل مؤثری بر انتخاب راهبرد سیاست خارجی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: ارزش‌ها و اعتقادات رهبران و تصمیم‌گیرندگان، زمینه‌های تاریخی و فرهنگی جامعه و حکومت، برداشت‌ها، مشکلات داخلی و افکار عمومی، نیازهای داخلی و ساختار نظام بین‌المللی و تصویر کلی از سیاست بین‌المللی در نزد رهبران. توضیح مورد نخست در اینجا می‌آید. ارزش‌ها و اعتقادات رهبران: «ارزش‌های جوامع، ساخته و پرداخته فرهنگ، فرهنگ سیاسی، تربیت، فرآیند جامعه-پذیری سیاسی، تبادل فرهنگی و تجربه‌های شخصی است. ... دولت‌ها مسائلی از قبیل استقلال، اعتبار ملی، توسعه اقتصادی و وحدت ملی را معیارهای عمده سیاست خارجی خویش قلمداد می‌کنند. ... گاه ممکن است هدف‌های سیاست خارجی در چارچوب یک ایدئولوژی تبیین شود». (قوام: ۱۳۹۷، ۱۴۶-۱۳۶)

برای نمونه این تصویر کلی در دیدگاه رهبران و تصمیم‌گیرندگان راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی از ساختار نظام بین‌المللی و تصویر کلی از سیاست بین‌الملل، وجود نظام سلطه است. از نظر مقام معظم رهبری «نظام سلطه یعنی دنیا تقسیم می‌شود بین دو گروه کشور، دو گروه ملت: یک گروه، گروه سلطه‌گر، یک گروه، گروه سلطه‌پذیر». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۱۰/۶) آمریکا که در رأس جهان غرب می‌باشد و تلاش می‌کند بر جهان هژمونی یافته و دیگران را زیر سلطه خود درآورد، سلطه‌گری است که با همراهی همپیمانان خود در جهان غرب و نیز رژیم صهیونیستی که صهیونیسم جهانی را هدایت می‌کند، نظام سلطه را تشکیل می‌دهند و راهبرد سیاست خارجی ایران نیز مقاومت در برابر این نظام است. این، بخشی از اصول سیاست خارجی ایران است، که راهبرد مقاومت، از آن برآمده.

۳- تاریخچه راهبردهای سیاست و روابط خارجی ایران

ایران در دوره‌های حکومتی مختلف، راهبردهای متفاوتی را در سیاست خارجی داشته است.

«پیش از انقلاب مشروطه، این راهبرد، حفظ وضع موجود بوده که طی آن با دادن امتیازات برابر به انگلیس و روسیه موازنه مثبت ایجاد شود. پس از انقلاب ۱۹۱۷ و تشکیل شوروی، سیاست خارجی ایران به سوی اتحاد با انگلستان چرخید و با موفق نشدن قرارداد ۱۹۱۹، ائتلافی نانوشته برقرار شد» (خلیلی، ۱۳۹۰: ۸۵) و تا اشغال ایران در جنگ جهانی دوم تداوم یافت. در این زمان ایران راهبرد بی‌طرفی داشت. با پایان یافتن جنگ، ایران برای خروج نیروهای شوروی، به سوی انگلیس و آمریکا متمایل شد، اما با آغاز ملی شدن صنعت نفت، راهبرد سیاست خارجی، تبدیل به عدم‌تعهد و موازنه منفی شد. «با کودتای ۱۳۳۲، ایران به آمریکا تمایل یافته و سرانجام متحد این کشور شد و در دهه ۱۳۵۰، نقش ژاندارمی خلیج فارس از سوی آمریکا به ایران واگذار گردید» (Barzegar, 2010: 178).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷، راهبرد سیاست خارجی ایران از اتحاد با آمریکا، به عدم‌تعهد فعال تغییر کرد. در عدم‌تعهد فعال، با وجود اصل صدور انقلاب، ایران تجدیدنظرطلب شد و می‌خواست در ساختارهای منطقه‌ای و نظام بین‌الملل، تغییرات آرمانی ایجاد کند. منطقه و قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل با تحریک عراق برای آغاز جنگ تحمیلی، ایران را برای هشت سال درگیر جنگ کردند. «پس از پایان جنگ، ایران برای بازسازی، به سوی اروپا متمایل شد و سپس سیاست تنش‌زدایی در چارچوب گفتمان گفتگوی تمدن‌ها، پیگیری کرد» (عطار و محمدعلی، ۱۳۹۵: ۱۸۷) ایران در این دوران نیز در تلاش بود تا نفوذ خود را در منطقه به کندی گسترش دهد، اما همچنان مقابل آمریکا بود. تعمیق راهبرد مقاومت در عرصه سیاست خارجی را باید از آغاز دوره احمدی‌نژاد دانست. «ایران در این دوره هم تجدیدنظرطلبی در ساختارها و مقابله با نظام سلطه را مدنظر داشت و هم به تعمیق نفوذ خود در منطقه پرداخت» (Cook, 2020: 1) و ساختار شبکه‌ای با کارگزاران جدید به مقاومت بخشید. «در دوران روحانی به‌رغم توافق برجام، ایران در راهبرد سیاست خارجی، روند افزایش نفوذ در منطقه را ادامه داد و کارگزاران شبکه مقاومت منطقه‌ای را تقویت کرد» (Katzman, 2020: 41-42).

۴- مقاومت: راهبرد سیاست خارجی در اندیشه رهبری

۴-۱- تعریف مقاومت

از دید مقام معظم رهبری، مقاومت «یعنی تسلیم زورگویی نشدن، ... و در موضع اقتدار ایستادن. دولت مقاومت در موضع اقتدار قرار می‌گیرد ... که نه اهل تجاوز است، نه اهل سلطه طلبی و دست‌اندازی به کشورهاست، نه اهل فرو رفتن در لاک دفاعی و موضع انفعال. در لاک

دفاعی نمی‌رویم، ... بلکه ما در موضع «أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (قرآن کریم، سوره الانفال، آیه ۶۰) قرار می‌گیریم. در موضعی قرار می‌گیریم که «تُرْهِبُونَ بِهِ» است. ... یعنی همان چیزی که امروز به آن «قدرت بازدارندگی» می‌گویند. جمهوری اسلامی در جایگاهی قرار می‌گیرد که دارای اقتدار بازدارنده است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۲/۲۰) مقاومت، نوعی از بازدارندگی است که تا حدود زیادی، امری مادی و واقع‌گرایانه و ناشی از افزایش قدرت است.

مقاومت در کل، در برابر نظام سلطه انجام می‌شود که همانا استبداد بین‌المللی است که آمریکا از طریق هژمونی، حاکم کرده است. در نظریه ساختاری نظام سلطه، سلطه به جز ابزار نظامی، از طرق فرهنگ، اقتصاد و علم هم اعمال می‌شود. «عمده موضوع‌هایی که قدرت‌های سلطه‌گر در نظام سلطه جهانی برای حفظ رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تکیه می‌کنند، سه موضوع است: سلطه‌های فرهنگی، اقتصادی و علمی». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۴/۱) هدف از رابطه سلطه‌آمیز، ارتقای امنیت کشور سلطه‌گر و بقای حاکمان سلطه‌پذیر است. در این میان، کالایی به نام امنیت وجود دارد که هر دو طرف می‌خواهند به آن دست پیدا کنند. امنیت، صرفاً نظامی نیست، بلکه ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد. دولت‌ها می‌خواهند به حکومت خود ادامه دهند و در مقابل، کشورهای سلطه‌گر، برای تضمین حاکمیت مطلوب و برای دستیابی به «امنیت» خود بر جهان، به این کشورها نیاز دارند». (عباسی، ۱۳۹۷: ۱۶)

۴-۲- آرمان‌خواهی و واقع‌گرایی مقاومت

مقاومت از دو ستون اصلی مکمل تشکیل شده، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری. ستون نرم‌افزاری، ذهنی است و بر قدرت نرم انقلاب اسلامی و ستون سخت‌افزاری، مادی است و بر قدرت سخت جمهوری اسلامی ایران، قرار دارد. فروریزی یکی از اینها، به منزله فروریزی مقاومت است. مقاومت در بخش نرم‌افزاری خود، آرمان‌گرا است و در بخش سخت‌افزاری، واقع‌گرا می‌باشد. با این حال، جنبه آرمان‌گرایی آن، که فرهنگی است، غلبه دارد، چرا که با وجود اینکه از نظر سخت‌افزاری برابری با توان سخت‌افزاری قدرت‌های بزرگ ندارد، اما با تکیه بر نبرد نامتقارن و ایجاد شبکه‌سازی مقاومت در عرصه منطقه، در برابر نظام سلطه می‌ایستد.

مقاومت حاصل پیوند میان فرهنگ و راهبرد است که می‌توان با رویکرد اسنایدر،^۱ عنوان «فرهنگ راهبردی» بر آن گذارد. فرهنگ راهبردی یعنی: «کلیه معانی به هم پیوسته، اشکال

^۱ - Jack Snyder

و واکنش‌های ثابت و مشروط که کارگزاران راهبرد ملی از راه آموزش و فهم تاریخ و فرهنگ ملی و ایدئولوژیک، به دست آورده‌اند» (Snyder, 1977: 8). بنابراین، می‌توان با معانی گفتمان سیاسی شیعی، همچون حفظ اصول دین، نفی سبیل، جهاد و... و نیز فهم تجربه‌های تاریخ معاصر ایران استعمار زده، به واکنش‌های ثابت و مشروطی رسید که روحانیت و مردم در مقابل بیگانگان دارند. برای نمونه نهضت تنباکو و یا قیام سال ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی^(۵)، در برابر اقدام به ایجاد کاپیتولاسیون آمریکایی. در هر دو، در برابر نفوذ بیگانگان، واکنش، مقاومت بوده که در چارچوب گفتمان شیعی، رخ داده است. پس فرهنگ سیاسی مقاومت، یک فرهنگ راهبردی است که «وضعیتی را پدید می‌آورد که این واکنش به صورت یک عنصر ثابت، در اتخاذ راهبرد سیاسی عملی در برابر بیگانه، رخ می‌نماید» (Gray, 1981: 35-37). این مؤلفه ثابت را می‌توان «تجربه اشتراکی ملی» دانست که مورد حمایت مردم است.

مقام معظم رهبری نیز این تجربه اشتراکی ملی را در مقاومت مد نظر قرار داده و به بعد مذهبی- ایدئولوژیک آن، اشاره کرده‌اند: «ایمان دینی جزو مهم‌ترین عناصر مقاومت و تحرک این کشور است؛ مال امروز هم نیست، از ۱۳۰ سال، ۱۴۰ سال پیش به این طرف، هر حرکتی در این کشور انجام گرفته است که جریان‌ساز و مؤثر بوده، عنصر ایمان، حرف اول آن را زده است». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹)

در مقایسه راهبرد مقاومت و راهبردهای سیاست خارجی، راهبرد مقاومت، نزدیک به راهبرد تجدیدنظرطلبی است. ایران، از بدو انقلاب اسلامی، راهبرد عدم‌تعهد فعال را در سیاست خارجی پیشه کرد و به کشوری فعال در جنبش عدم‌تعهد تبدیل شد که هم در سیاست خارجی خود نفی سلطه و هم خواست تغییر در وضعیت نظام بین‌الملل، یعنی رویکردی تجدیدنظرطلبانه را پیگیری می‌کرد. این راهبرد را دولت‌هایی اتخاذ می‌کنند «که به دلایل متعدد داخلی یا ایدئولوژیک، برنامه‌هایی برای توسعه ارضی یا انقلابی دارند» (ازغندی و روشندل، ۱۳۹۲: ۱۴۹) و ایران به هر دو دلیل، برنامه‌هایی برای صدور انقلاب داشت. به طوری که سیاست صدور انقلاب را به انحای مختلف تا به حال، تداوم بخشیده، امری که امروز در چارچوب محور مقاومت، ساختاری منطقه‌ای را شکل داده است.

این امر را باید در شکل اتحادی تجدیدنظرطلبانه، میان دو دولت ایران و سوریه، و گروه‌های با نفوذی در دولت‌های عراق و لبنان همچون الحشدالشعبی و حزب‌الله و نیز گروهی دارای سرزمین، انصارالله یمن، دانست. اینها به همراه گروه‌های کوچک‌تر شیعی پیرو ایدئولوژی انقلاب اسلامی، خواستار پایان دادن به نظام سلطه و نیز سلطه سنی‌ها بر خود می‌باشند که آنها را

سرکوب کرده‌اند. در حقیقت، «گاهی تعدادی از دولت‌ها [و گروه‌های سیاسی-شبه‌نظامی]، بنا به دلایلی، خواستار تجدیدنظر در توزیع قدرت هستند. در این روند، آنها برای تحقق اهداف خویش، اتحادهایی با دیگران برقرار می‌کنند». (قوام، ۱۳۹۷: ۱۸۳)

اگر چه مقاومت، در رابطه با نظام سلطه، خود را تجدیدنظرطلب می‌داند، اما باید توجه داشت که «فرقی ندارد که نظام از کشورهای تجدیدنظرطلب یا خواهان وضع موجود تشکیل شده باشد؛ زیرا اهداف کشورها هرچه باشد، ساختار نظام بین‌الملل آنها را به تعقیب سیاست‌هایی سوق می‌دهد که به موازنه قدرت و بازتولید نظام منتج می‌شود. البته، والتز بیان می‌دارد که نظام به گونه‌ای برنامه‌ریزی نشده که همیشه همین نتیجه حاصل شود». (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۰۲ و ۳۰۹) در این میان، بعد ایدئولوژیک مقاومت مهم خواهد شد، چرا که آنچه موجب می‌شود مقاومت با ساختار نظام هماهنگ نشود، حتی زمانی که درک می‌کند قدرت‌های بزرگ تمایلی به ائتلاف با بیردازند، ایدئولوژی و هویت مقاومت است.

باید به این امر توجه کرد که از منظر ذهنی، «جوهره و محرک اصلی مقاومت ایران که سپس به منطقه نیز سرایت کرد، همان بیگانه‌ستیزی و استقلال طلبی بود که با انقلاب اسلامی جلوه‌های تهاجمی و انقلابی پیدا کرد. اعتقاد به اینکه استقلال ضرورت، و دخالت بیگانگان مانع اصلی در برابر آن است». (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۴۷) تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که روس، انگلیس و آمریکا، استقلال کشور را زیر پا گذاشتند، بنابراین این وجه نرم‌افزاری تأمین استقلال در ذهنیت ایرانی- اسلامی از نهضت تنباکو تا انقلاب اسلامی، چنان قوی شد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بازتابیده شده است و بخشی از قدرت مقاومت، از آنها نشأت می‌گیرد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی، در فصل دهم- سیاست خارجی، در اصول ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۵۴، که چارچوب‌های این سیاست را مشخص می‌کند و حتی در مقدمه خود، بر نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، تأکید داشته: «اصل ۱۵۲: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم‌تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و ... استوار است. اصل ۱۵۳: هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر ... شئون کشور گردد، ممنوع است. اصل ۱۵۴: جمهوری اسلامی ایران ... در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». (منصور، ۱۳۹۶: ۸۵-۸۴)

برخی دیگر از اصول این قانون که با هویت سیاست خارجی ایران به طور غیرمستقیم، پیوند دارد نیز بیان می‌شود که چنین هستند: «اصل سه بند شانزدهم (بنیاد اسلام به عنوان تعهد برادرانه نسبت به مسلمانان جهان) اصل دو بند پنج (حمایت از مستضعفین در برابر استکبار جهانی)، اصل یازده (اتحاد و ائتلاف با جهان اسلام)، اصل سوم بند پنجم (طرد استعمار می‌باشد)». (طاهاهی، ۱۳۸۵: ۱۰۶-۱۰۲) همچنین بخش‌هایی از مقدمه قانون اساسی نیز، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اثرگذار است، از جمله: تشکیل امت واحده جهانی و... «در مقدمه قانون اساسی، به رسالت جهانی انقلاب عنایت شده و قانون اساسی، زمینه تداوم این انقلاب را در خارج فراهم می‌کند. به ویژه در گسترش روابط بین‌الملل با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ظلم در تمامی جهان قوام یابد. ... با توجه به این رسالت بسیار مهم و تغییرناپذیر، سیاست خارجی باید هم از جنبه ایدئولوژیک و هم در بعد نظری و عملی، تمام تلاش خود را در جهت تحقق این هدف به کار بندد». (ازغندی، ۱۳۹۴: ۷۵) به علاوه در بخش ارتش مکتبی، به طور ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به صورت بازوی نظامی صدور انقلاب درآورده است و بخش وسائل ارتباط جمعی آن (صدا و سیما)، با تأسیس شبکه‌ای برون‌مرزی برای بیان آرمان‌های انقلاب اسلامی، در صدور انقلاب نقش‌آفرین است.

به این ترتیب، بُعدی ایدئولوژیک برای مقاومت پدید می‌آید که در ذهنیت‌ها اثر می‌گذارد و از همین‌رو به لحاظ نرم‌افزاری، «مقاومت جز در سایه ایمان بالله و اتکاء بالله و اعتماد به وعده‌ی الهی ممکن نیست؛ خدای متعال وعده فرموده است: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ» (قرآن کریم، سوره الحج، آیه ۴۰) با تأکید، وعده نصرت داده؛ این وعده تحقق پیدا می‌کند. اگر ما خودمان را اصلاح کنیم، به وعده الهی با چشم حسن‌ظن نگاه کنیم، ... پیروز خواهیم شد. سوءظن به وعده‌ی الهی مال کفار است؛ «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ» (قرآن کریم، سوره الفتح، آیه ۶) ... ملت ایران حسن‌ظن خود به وعده‌ی الهی را اثبات کرده؛ به ما حمله نظامی هم شد، تحریم هم شدیم، نفوذ عوامل جاسوسی هم اتفاق افتاد، شهید هم دادیم، اما ملت ایران مثل کوه ایستاد! امروز این شجره‌ی طیبه جمهوری اسلامی و ملت ایران شجره‌ای است که «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ». (قرآن کریم، سوره ابراهیم، ۲۴) روزبه‌روز به فضل الهی ما پیشرفت کردیم، روزبه‌روز قوی‌تر شدیم؛ ... و این، نسخه ... پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۹/۴)

نمونه‌ای بارز از این مقاومت، در دوران دفاع مقدس بود. «فرهنگ راهبردی در طول جنگ

تحمیلی، فرهنگی تهاجمی بود که پیوند با آموزه‌های دینی داشت. در این فرهنگ، جنگ ایران و عراق، جنگ حق علیه باطل بود و ایران تحت حمایت نیروهای الهی قرار داشت. حمایت الهی باعث می‌شد موانع فیزیکی مثل ضعف توان نظامی یا مشکلات مالی، ناچیز تلقی شود. آن مقاومت، از جنس مقاومت پایدار و تسلیم ناپذیر بود، به نحوی که ضمن دفع تجاوز دشمن، آن را تنبیه کند. ایرانیان، چنین مقاومتی را ... تکلیف دینی می‌دانستند و به راه خویش اعتماد کامل داشتند. ... از دیگر مشخصه‌های مهم این فرهنگ، ایثارگری و شهادت‌طلبی بود. ... ایرانی‌ها در طول جنگ تحمیلی، به خاطر تجهیز به فرهنگ راهبردی که متأثر از ارزش‌های انقلاب اسلامی بود، موفق به پیروزی در برابر عراق شدند. استفاده هوشمندانه رهبران و سیاست‌مداران کشور از قابلیت‌های فرهنگ راهبردی، باعث شد مقاومت در برابر عراق، به مقاومتی پیروزمندانه تبدیل شود». (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۴۳) این ایستادگی، هم به بعد آرمان‌گرایانه مقاومت مربوط است و هم به بعد واقع‌گرایانه آن. در مورد بعد نخست، اشاره کرده‌اند: «اگر ایمان در دل و در عمل وجود داشته باشد، کوه‌ها در مقابل یک جامعه، یک مجموعه، یک انسان قوی، هموار خواهد شد و قدرت مقاومت نخواهد داشت. یکی از فواید جنگ برای ما این بود». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۳/۳)

انقلاب اسلامی ایران، پس از پیروزی در جنگ بود که به توان خود در مقاومت در برابر نظام سلطه پی برد و اردوگاه سلطه‌ستیزان را آرام‌آرام در شکل محور مقاومت، ساختارمند کرد، ساختاری که متفاوت از اردوگاه نظام سلطه است. «شرایط و بازیگران این اردوگاه، با اردوگاه سلطه‌گران از هر لحاظ، کاملاً متفاوت است؛ به گونه‌ای که بستر حرکت در این جبهه، خیزش و جنبش توده‌های مردم است. ملت ایران به عنوان آغازگر جنبش ضد نظام سلطه در جایگاه رهبری این اردوگاه است. شیعیان جهان، حلقه دوم این جبهه را تشکیل می‌دهند؛ زیرا آنها پیرو امامانی هستند که هرگز در برابر نظام‌های سلطه‌گر تسلیم نشدند و در این راه به شهادت رسیدند. ... حزب‌الله لبنان و شیعیان عراق، سوریه، بحرین و یمن در این حلقه هستند. در حلقه سوم، سایر مسلمانان در حال مبارزه با نظام سلطه قرار دارند. در رأس این گروه، سازمان‌های مبارز فلسطینی قرار می‌گیرند. همچنین مسلمانان سایر کشورها مانند تونس و مصر که در جنبش‌های مردمی خود موجب اسقاط نظام‌های سیاسی وابسته شدند. در حلقه چهارم، ملت‌های محروم و زجرکشیده غیرمسلمان در آفریقا و آمریکای لاتین و در حلقه پنجم، توده‌های مردم زیرسلطه در کشورهای توسعه‌یافته قرار دارند». (عباسی، ۱۳۹۷: ۱۹)

تا حال حاضر، انقلاب اسلامی توانسته حلقه دوم و تا حدودی حلقه سوم را در ساختار محور

مقاومت منسجم نماید و از قدرت به دست آمده به سوی امنیت خود و امنیت کل محور مقاومت حرکت کند. در یک مشابهت در حرکت از قدرت به سوی امنیت، «نواقع گرایان به جای تلقی قدرت به عنوان غایتی فی‌نفسه، آن را به چشم وسیله‌ای مفید می‌بینند که اگر دولت‌ها میزانی بسیار کم یا بسیار زیادی از آن را داشته باشند، مخاطره می‌کنند. ممکن است ضعف ما موجب حمله دشمن به ما شود، حال آنکه اگر توانمندتر بودیم دشمن منصرف می‌شد. توانمندی بیش از حد ما هم ممکن است سایر دولت‌ها را وادارد تا جنگ افزارهای بیشتری گرد آورند و تلاش‌های‌شان را یک‌کاسه کنند. قدرت ابزار کارگشایی است و دولتمردان می‌کوشند میزان مناسبی از آن را در اختیار بگیرند. پس، نگرانی نهایی دولت‌ها قدرت نیست، بلکه امنیت است.» (والترز، ۱۳۸۶: ۲۷)

با توجه به این آموزه نواقع‌گرایی، که در محور مقاومت نیز به خوبی به کار رفته، در بعد واقع‌گرایانه مقاومت، مقام معظم رهبری اعتقاد دارند «وظیفه ما این است که ما کشور را، هم نیرومند کنیم، هم مقاوم کنیم؛ قدرت کشور را بالا ببریم و آن را مقاوم‌سازی کنیم». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹) این موضع افزایش قدرت که موجب بازدارندگی می‌شود، با مؤلفه افزایش قدرت که در واقع‌گرایی تهاجمی وجود دارد و کشورها دست به آن می‌زنند تا امنیت خود را تأمین کنند، ارتباط دارد. با این حال، تفاوت فرهنگ سیاسی مقاومت در انقلاب اسلامی، آن است که بر وجهه آرمان‌گرایانه مقاومت هم، در عین مهم دانستن مقاومت واقع-گرایانه، تأکید کرده؛ «مقاومت نظامی و امنیتی هم قطعاً مقاومت است، اما بالاتر از آن، مقاومت فرهنگی است». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۵/۳۱) پس، توجه به این بعد آرمان‌گرایانه از مقاومت، به معنای نادیده گرفتن بعد واقع‌گرایانه مادی آن، نیست.

مقام معظم رهبری در توجه دادن به بُعد واقع‌گرایانه مقاومت، همانند واقع‌گرایی تهاجمی، به مسائل مادی نیز توجه دارند. این عوامل مادّی‌دین که در برابر دشمنان بازدارندگی ایجاد می‌نمایند. «اسلام قلع‌و‌قمع‌کننده است؛ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ. یقیناً اسلام می‌تواند کفر را، جبهه مقابل را شکست بدهد؛ اما کدام اسلام قادر به این کار است؟ آن اسلامی می‌تواند کفر را و استکبار را و ظلم را قلع‌و‌قمع ... که دارای نظام، دولت، نیروی نظامی، رسانه، سیاست، اقتصاد و ابزارهای فراوان باشد؛ این اسلام می‌تواند مقاومت کند، وَاَلَّا ... جریان‌های اسلامی اگر به سمت هدف حکومت نروند، هیچ خطری برای استکبار ندارند. شما این اسلامی را که قادر بر مقاومت است، ... به دست آورده‌اید، ... در مقابل دشمن، این را باید حفظ کرد؛ دشمن حمله می‌کند». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۶/۳) بنابراین در برابر دشمن، برای حفظ امنیت، باید

قدرت مادی را نیز افزایش داد تا بر اساس برقراری موازنه قوا، که در واقع‌گرایی تهاجمی به موازنه تهدید نامبردار شده است، بازدارندگی ایجاد شود.

مقام معظم رهبری درباره امنیت بیان کرده‌اند: «امنیت به همان اندازه که مهم است، به همان اندازه، آماج دشمنی دشمنان هم هست. سعی دشمن همواره بر این است که ... امنیت را از بین ببرد. ... نظام سلطه و سردمداران نظام سلطه و شیطان بزرگ؛ آمریکا و دنباله‌هایش؛ از روز اول پیروزی این ملت در انقلاب اسلامی در صدد برآمدند تا امنیت را ... سلب کنند. یکی از مشکلات اساسی ما در طول این ۳۸ سال، حفظ امنیت بوده است. جوانان ما با همه وجود برای حفظ امنیت جنگیده‌اند، ... جوانان مؤمن ما در سازمان‌های مسلح از جمله در نیروی انتظامی با کمال رشادت و قدرت ایستاده‌اند و از امنیت این کشور دفاع کرده‌اند». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۶/۲۶)

از آنجا که «هدف غایی هر دولت تأمین بقا و امنیت خویش است و تحقق آن، سلسله‌ای ترتیبی از اهداف ابزاری را طلب می‌کند. نخستین این اهداف، ممانعت از شکل‌گیری هژمونی دولت دیگر است». (لیتل، ۱۳۸۹: ۲۴) سلطه‌ستیزی جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از ایجاد هژمونی توسط دولت‌های دیگر، به ویژه آمریکا به عنوان رأس نظام سلطه است. این امر می‌تواند امنیت جمهوری اسلامی را تضمین نماید. در همین راستا است که ایران به محور مقاومت شکل داده و آن را دارای ساختار کرده است. از این‌رو هر یک از حلقه‌های مقاومت، نقش مؤثری در جلوگیری از شکل‌گیری هژمونی آمریکا در منطقه دارند.

۳-۴- مواجهه مقاومت با ساختار بین‌المللی آنارشیک

مقام معظم رهبری از آنارشی در نظام بین‌الملل با لفظ «جنگل» یاد کرده‌اند: «یک جامعه و یک نظام، وقتی در یک راه نوبی قدم می‌گذارد و ... یک مدعای متفاوتی دارد، و با این مدعا ... وارد این جنگل انبوه تعارضات بین‌المللی می‌شود، ... طبعاً در دوره‌های مختلف، اوضاع گوناگونی پیدا می‌کند که بایستی برطبق آن اوضاع، شرایط خودش را تطبیق کند و برطبق آنها پیش برود. در صدر اسلام هم همین‌جور بوده، امروز هم همین‌جور است؛ تعارض‌های جهانی وجود دارد؛ این دنیای سیاست بین‌المللی یک جنگل انبوهی است، ما هم برخلاف جریان داریم حرکت می‌کنیم». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۶/۱۵)

در ساختار آنارشی، مهم‌ترین مؤلفه آن است که این ساختار فاقد یک مرجع است و «مسأله اساسی برای یک نظام فاقد مرجع فائقه مرکزی به واسطه ساختارش، لزوم تکیه واحدهای عضو

به وسایل یا ترتیباتی است که بتوانند برای تضمین بقا و تقویت امنیت خود به وجود آورند. طبق برداشتی که والتز از ساختار به منزله متغیر مقید کننده یا محدود سازنده رفتار سیاسی دارد، در نظام فاقد مرجع فائقه مرکزی استوار بر اصل خودیاری، دولت‌ها ناچار از تعقیب دست‌کم یکی از این دو خط‌مشی هستند: انجام تلاش‌های داخلی به منظور افزایش توانایی‌هایی سیاسی، نظامی و اقتصادی، و بسط استراتژی‌هایی مؤثر؛ و انجام تلاش‌های خارجی برای صف‌آرایی یا تجدید صف‌آرایی با سایر بازیگران. ساختار نظام، به ویژه تعداد بازیگران و توانایی‌های آنها، به الگوهای تعاملی شکل می‌دهد و از جمله تعداد دولت‌هایی را که در قالب گروه‌های رقیب در توازن قدرت، در برابر هم صف‌آرایی می‌کنند تعیین می‌نماید. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۳: ۱۹۶-۱۹۷)

در این نظام بین‌الملل آنارشیک که ماهیت سلطه‌گرانه آن مادی است، یک انقلاب بر پایه آموزه‌های دینی، تلاش کرده تا سلطه‌ستیزی پدید آورده و نظام بین‌المللی عادلانه‌ای ایجاد کند. بنابراین، هم بر وجهه استقلال‌طلبی استوار شده و هم بر مقابله با رأس نظام سلطه. «انقلاب اسلامی موجب شده فرهنگ استقلال‌طلبی ایرانیان به آموزه‌های دینی مجهز شود. اوج‌گیری بیگانه‌ستیزی در جمهوری اسلامی اقدامات متقابل قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا را در پی داشته است». (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۴۸) در همین راستا نیز، «گفتمان سیاست خارجی مقام معظم رهبری (گفتمان تقابل با نظام سلطه)، بر پایه تقسیم‌بندی دوگانه از نظام بین‌الملل سامان یافته است. دو جبهه سلطه‌گر و سلطه‌ستیز در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند و جبهه سومی به نام بلوک سلطه‌پذیر نیز به عنوان دنباله‌رو بلوک سلطه وجود دارد. بلوک سلطه‌پذیر (مانند کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس)، در بردارنده دولت‌هایی است که یا، تسلیم منفعلانه در برابر نظام سلطه را پذیرفته‌اند، یا، به هم‌پیمانان آن بدل شده‌اند. در نظم کنونی، جمهوری اسلامی، رهبری بلوک ضدسلطه را برعهده داشته و آمریکا نماینده سلطه‌گران است». (عباسی، ۱۳۹۷: ۱۰) به بیان مقام معظم رهبری، «جریان کلی دنیا، جریان استکبار و جریان نظام سلطه است؛ یعنی یک عده سلطه‌گرند، یک عده هم ... سلطه‌پذیرند؛ ما برخلاف این جریان داریم حرکت می‌کنیم؛ ... طبعاً اوضاعی برای ما پیش می‌آید که ناگزیر بایستی نسبت به این اوضاع حواسمان جمع باشد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۶/۱۵) بر خلاف جریان نظام بین‌الملل حرکت کردن، همان محوریت ایران در شکل دادن به ساختار منطقه‌ای محور مقاومت می‌باشد که تجدید-نظرطلبانه است.

بنابراین، با توجه به ایجاد ساختاری که به محور مقاومت نامبردار شده، ایران و آمریکا در

مقابل هم قرار دارند و ایران برای مقابله با نظام سلطه، در عرصه روابط بین‌الملل روندی تجدید- نظرطلبانه را در انحای مختلف دنبال کرده است... به این لحاظ «خواست آمریکا در طول حیات جمهوری اسلامی، همواره این بوده که با منزوی کردن ایران، فضای انقلابی تهاجمی را مهار کند» (Carpenter and Innocent, 2007: 68)

البته باید توجه کرد که این تحریم‌های آمریکا بوده که از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷، موجب شده تا واکنش این انقلاب نسبت به آمریکا و آن دشمنی که با ایران داشت، تهاجمی شود و به مرور زمان، در طول حیات انقلاب اسلامی، با افزایش فشارهای آمریکا و متحدان آن در نظام بین‌الملل بر ایران، این تقابل نیز شدت بیشتری گیرد. بنابراین، «شرایطی که از سوی نظام بین‌الملل بر ایران تحمیل شده، موجب گردیده که بر اساس آموزه‌های دینی- سیاسی دو رهبر انقلاب اسلامی، مردم و نیروهای مسلح، به شیوه- ای تهاجمی و با روحیه‌ای انقلابی در برابر قدرت‌های ناهمسو با انقلاب، مقاومت کنند. ... دقت به این نکته نیز دارای اهمیت است که کشورهایی که در طول تاریخ به کرات با تهاجم بیگانگان مواجه بوده‌اند، معمولاً فرهنگ راهبردی مشابهی دارند. در این کشورها، گرایش به اقدامات تهاجمی به منظور دفع خطر بیشتر است. در مقابل، کشورهایی که با تهدیدات خارجی مواجه نبوده‌اند، معمولاً دارای نوعی فرهنگ راهبردی انفعالی هستند» (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۳۸ و ۴۹) جمهوری اسلامی ایران، به دلیل برخورداری از پشتوانه تاریخی که نشان می‌دهد ایران همواره دچار تهدیدات و تهاجمات بیگانگان بوده و همواره از تصمیمات قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل متضرر شده، چنانکه این قدرت‌ها موجب شدند، وسعت زیادی از خاک ایران، جدا شود، از این‌رو گرایش به این یافته که قدرت خود را افزایش دهد و یک فرهنگ راهبردی را برای دفاع از خود و افزایش امنیت خویش در چارچوب محور مقاومت شکل دهد که رفتارهای تهاجمی در واکنش به نظام سلطه از خود نشان می‌دهد. اما این محور مقاومت در شرایطی به وجود آمده است که به نظر می‌رسد دارای یک فرصت بی‌نظیر است. فرصتی که در آن، ساختار نظام بین‌الملل در حال تغییر است.

در واقع «ساختار نظام زمانی تغییر می‌کند که توزیع توانایی‌ها در نظام واحدها تغییر کند» (Waltz, 1979: 97) تغییر در نظام بین‌المللی زمانی حادث می‌شود که قدرت‌های بزرگ، ظهور یا افول کنند، امری که مقاومت آن را به عنوان یک فرصت درک می‌کند. در واقع افول قدرت بزرگی همچون آمریکا و برآمدن قدرت‌های تازه چین و روسیه و قدرت‌های نوظهور هند، آلمان، برزیل، آرژانتین و... و خواست مشارکت آنان در عرصه سیاست بین‌الملل، چنین فرصتی

را برای مقاومت به وجود آورده است. در دیدگاه مقام معظم رهبری این فرصت ساختاری تغییر در وضعیت نظام بین‌الملل به این جهت حاصل شده است که «به وضوح امروز آمریکا، ضعیف‌تر از ده سال پیش و بیست سال پیش است؛ به وضوح رژیم صهیونیستی خبیث، امروز ضعیف‌تر از گذشته است. چند سال قبل از این، رژیم صهیونیستی در مقابل حزب‌الله لبنان شکست خورد؛ ۳۳ روز توانست مقاومت بکند و بعد شکست خورد؛ دو سال بعد از آن در مقابل فلسطینی‌ها ۲۲ روز توانست مقاومت کند و شکست خورد؛ چند سال بعد در مقابل مردم مظلوم غزه ۸ روز توانست مقاومت بکند و شکست خورد؛ ... این ضعف روزافزون رژیم صهیونیستی است. ملت‌هایی که فکری دارند، هویتی دارند، انگیزه‌ای دارند، متکی به خدا هستند، متوکل علی‌الله هستند، می‌ایستند و خدای متعال به آنها کمک خواهد کرد. «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا * سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (قرآن کریم، سوره الفتح، آیات ۲۳-۲۲) این سنت الهی است؛ اگر مسلمانها بایستند، بر همه سازوبرگ قدرتهای طاغوتی و مستکبر پیروز خواهند شد. امروز مردم یمن سخت‌ترین شکنجه‌ها را دارند از ناحیه دولت سعودی و همراهانش و آمریکا، پشتیبان آن، تحمل می‌کنند، لکن بدانید قطعاً ملت یمن و انصارالله پیروز خواهند شد؛ آنها شکست نمی‌خورند؛ ملت فلسطین شکست نمی‌خورند؛ تنها راه، مقاومت است و آن چیزی که امروز آمریکا را و متحدینش را دستپاچه کرده، ... ایستادگی ملت‌های مسلمان است». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۹/۴)

۴-۴- کارگزاران و ساختار مقاومت

در بررسی این مسأله که کارگزار اصلی مقاومت، کیست، توجه به این بیانات از مقام معظم رهبری دارای اهمیت است: «می‌خواهند هیچ عنصر مقاومتی در این منطقه وجود نداشته باشد. اصل عنصر مقاومت را جمهوری اسلامی می‌دانند. ... اینجا مرکز مقاومت است. اینجا جایی است که ... خود وجود جمهوری اسلامی به ملت‌های منطقه، الهام می‌دهد. یک موجودیتی، یک هویتی که علی‌رغم همه قدرت‌های استکباری، ... این جور در این منطقه قد کشیده و ... روز به روز، قوی‌تر می‌شود. ...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۱۰/۱۹) از نظر ایشان، کارگزار اصلی مقاومت در منطقه و جهان، جمهوری اسلامی است و دیگر بخش‌های مقاومت، بر گرد این محورند. در واقع، از دید ایشان، دولت جمهوری اسلامی، دولت مقاومت است. «ما امروز «دولت مقاومت» ایم. دولت مقاومت خیلی مهم است. دولت مقاومت با فلان سازمان مقاومت فرق دارد، با فلان جریان مقاومت در فلان کشور فرق دارد، با فلان شخصیت مقاومت فرق دارد. ... استکبار

جهانی که اهل زیاده‌طلبی است، اهل تجاوز است، ... با هر عنصر مقاومت مخالف است، ... جمهوری اسلامی دولت مقاومت است؛ دولت مقاومت که سیاست دارد، اقتصاد دارد، نیروی مسلح دارد، حرکات بین‌المللی دارد، منطقه‌ای نفوذ وسیع در درون کشور و بیرون کشور دارد؛ این بسیار مهم است، و با هیچ عنصر مقاومت دیگری قابل مقایسه نیست. برای همین است که همه دشمنی‌ها ... متوجه جمهوری اسلامی است». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۲/۲۰)

مقام معظم رهبری، مقاومت را امری می‌دانند که از ابتدای انقلاب اسلامی، سیاست صدور انقلاب در پی آن بوده است. ایشان نخستین کارگزاران محور مقاومت را نام برده و «با یادآوری جبهه مقاومت متشکل از الجزایر، ایران، سوریه و چند کشور دیگر که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شده بود، افزوده‌اند: برخی کشورهایی که دنباله‌رو آمریکا هستند، مانع از ادامه فعالیت آن مجموعه شدند اما به نظر می‌رسد اکنون زمینه تشکیل چنین مجموعه‌ای متشکل از کشورهای اسلامی ... وجود دارد. ... اگر چنین مجموعه‌ای تشکیل شود، این کشورهای اسلامی می‌توانند در مسائل مهم دنیای اسلام تأثیرگذار باشند». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۹/۳)

اگرچه، سویه اصلی راهبرد مقاومت تجدیدنظرطلبی است که در برابر نظام سلطه کاربرد دارد، اما در این راهبرد، از سیاست خارجی اتحاد و ائتلاف با همسوها نیز استفاده می‌شود. این جهت‌گیری «به این معنی است که در این سمت‌گیری کشورها با توجه به موقعیت جغرافیایی، ساختار بین‌الملل و نوع خط‌مشی‌های سیاسی، تصمیم می‌گیرند برای دفاع از خود و دستیابی به منافع ملی با یکدیگر اتحاد و ائتلاف کنند». (معنوی، ۱۳۸۷: ۱۹) در مورد راهبرد مقاومت، سیاست اتحاد و ائتلاف نیز کاربرد دارد، یعنی با آنانی که همسو با مقاومت هستند، اتحاد و ائتلاف صورت می‌گیرد. در راهبرد اتحاد و ائتلاف، بیشتر در مورد کشورها سخن گفته می‌شود، اما تفاوت راهبرد مقاومت، که نقطه قوت آن نیز به شمار می‌آید، آن است که تنها به کشورها توجه نمی‌شود و در کنار آن به گروه‌های تأثیرگذار فروملی نیز توجه می‌شود. بر این مبنا، در محور مقاومت، هم کارگزاریانی همچون سوریه که یک کشور است دیده می‌شود و هم کارگزاران فروملی همچون گروه‌های حزب‌الله در لبنان، انصارالله در یمن، حماس در فلسطین اشغالی، حشدالشعبی در عراق و

بر این مبنا در مقاومت، «اتحادهای صرفاً در جنبه نظامی صورت نمی‌گیرد، بلکه با توجه به موقعیت‌های مختلف، کشورهایی که دارای منافع مشترک اقتصادی یا ایدئولوژیکی یا ... هستند، با هم ائتلاف می‌کنند. البته برخی بر این نظر هستند که تصورات مشترک از خطر و ناامنی است که منجر به اتحادهای نظامی می‌گردد. ... گاهی نیز اتحاد میان یک کشور و یک گروه در

درون یک کشور دیگر صورت می‌گیرد یا به عبارت دیگر کشوری از گروه یا حزبی درون یک کشور دیگر به طور کامل حمایت کرده و از طریق آن تلاش می‌کند تا اهداف خود را در فرآیند سیاست بین‌الملل برآورده نماید. اتحادها میان کشورها و حمایت یک کشور از گروهی در درون یک کشور دیگر، می‌تواند به شکل‌های طبیعی، تجدیدنظرطلبانه، حفظ وضع موجود، دو منظوره و عقیم به وجود آید». (عیسی‌بیگی، ۱۳۹۱: ۱۳) حمایت جمهوری اسلامی ایران نیز از گروه‌های مقاومت، برای تشکیل محور مقاومت در این چارچوب است و ایران، با این حمایت، عمق راهبردی خود را افزایش داده، به طوری که به ایجاد موازنه تهدید به نفع جمهوری اسلامی در منطقه، منجر شده است و هزینه مقابله با انقلاب اسلامی را برای نظام سلطه و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن به شدت افزایش داده و جمهوری اسلامی ایران به هدف بازدارندگی مقام معظم رهبری دست یافته است.

این بازدارندگی، موجب می‌شود تا امنیت جمهوری اسلامی ایران در یک نظام بین‌المللی دارای آنارشی، حفظ شود. بر طبق نظر میرشایمر در نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، «دولت‌ها در نظام بین‌الملل، در پی تضمین بقای خود می‌باشند. از آنجا که دولت‌ها یکدیگر را به عنوان تهدیدات بالقوه می‌دانند و همچنین به دلیل اینکه هیچ اقتدار مرکزی مافوقی در نظام بین‌المللی وجود ندارد که وقتی آنها با مشکل و تهدید مواجه می‌گردند برای نجات خود به آن پناه آورند، دولت‌ها نمی‌توانند برای حفظ امنیتشان، به دیگران وابسته باشند. هر دولت، خود را بی‌دفاع و تنها می‌بیند، در نتیجه سعی می‌کند آمادگی لازم را برای تضمین بقای خود کسب نماید. اما این اصرار و تأکید بر اصل خودیاری، دولت‌ها را از تشکیل اتحادها باز نمی‌دارد». (میرشایمر، ۱۳۹۰: ۳۷) این درست همان کاری است که جمهوری اسلامی ایران نیز به انجام رسانده است، یعنی در عین افزایش قدرت خود، دست به اتحاد نیز زده است و حلقه‌های امنیتی خود را به خارج از مرزها نیز گسترش داده است، به طوری که محور مقاومت در منطقه خاورمیانه شکل گرفته است که دشمنان ایران، از آن با عنوان «هلال خصیب» یاد می‌کنند.

حلقه‌های مقاومت، امروز به شکل یک ساختار منطقه‌ای در حال ظهور است، از یک سو جمهوری اسلامی ایران در شرق خاورمیانه، مهم‌ترین بخش این محور است، در سوی دیگر در غرب خاورمیانه، حزب‌الله لبنان قرار دارد که حلقه غربی محور مقاومت است و در دولت لبنان نفوذ زیادی دارد. در همسایگی لبنان در میانه خاورمیانه، سوریه قرار دارد که اتحاد آن با ایران، به ویژه در انتهای جنگ داخلی و مقابله با تروریست‌های سلفی و... بیش از پیش تقویت شده

است. در کنار سوریه، گروه الحشد الشعبی که به ویژه در جنوب عراق و هم در دولت این کشور نفوذ دارد، در زمره محور مقاومت است که اینها همه به یکدیگر از نظر زمینه متصل هستند. در جنوب خاورمیانه نیز گروه انصارالله یمن، جنوبی‌ترین بخش محور مقاومت را تشکیل می‌دهد. این دولت‌ها و گروه‌ها هر یک در زمانی در مقابل نظام سلطه، متحدان و وابستگان به آن، چنان قدرت نمایی کرده‌اند که دیگر نظام سلطه نمی‌تواند از کنار قدرت محور مقاومت به سادگی عبور کند. در حقیقت، امروز امنیت جمهوری اسلامی ایران، گره خورده به محور مقاومت است که تبدیل به یک فرهنگ راهبردی در منطقه شده است که هم دفاعی است و هم در موقع لزوم به صورت تهاجمی عمل می‌کند و به یک نیروی نظامی کاراً تبدیل می‌شوند، همچون جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله در برابر اسرائیل که به شکست این رژیم انجامید.

به این ترتیب، «نقش پررنگ فرهنگ راهبردی در سیاست دفاعی دولت‌ها قابل درک می‌شود. در قالب فرهنگ راهبردی است که وضعیت گرایش دولت‌ها به استفاده از نیروی نظامی مشخص می‌شود. فرهنگ راهبردی مشخص می‌کند که در منازعات بین‌المللی چه جایگاهی را می‌توان به نیروهای نظامی داد. بر این اساس است که برخی کشورها مدت‌های مدیدی است که به اتخاذ سیاست بیطرفی روی آورده و خود را از منازعات بین‌المللی کنار می‌کشند، اما گروهی دیگر، مستمراً به استفاده از نیروی نظامی در کشاکش‌های بین‌المللی گرایش دارند. فرهنگ راهبردی در تعیین جهت‌گیری استراتژی نظامی - اعم از تدافعی یا تهاجمی، چندان به یکجانبه، فوری یا فرسایشی و مانند آنها- دخالت دارد. فرهنگ راهبردی به استفاده از نیروی نظامی مشروعیت بخشیده یا از آن مشروعیت زدایی می‌کند. در واقع، فرهنگ راهبردی یکی از محرک‌های مهم اثرگذار در سیاست دفاعی دولت‌هاست، اما این بدان معنا نیست که هر فرهنگ راهبردی می‌تواند زمینه موفقیت در سیاست دفاعی را فراهم سازد». (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۳۹ و ۴۲) بر این مبنا، اگر چه فرهنگ سیاسی مقاومت در انقلاب اسلامی ریشه دوانیده، اما این هنر سیاست‌گذاران راهبردی انقلاب اسلامی است که در هر زمان کدام ویژگی آن برجسته شود و در چه شرایطی چگونه نقش‌آفرینی کند که بتواند منافع ملی و امنیت ملی جمهوری اسلامی را برآورده سازد. در واقع، مقاومت همانند هر راهبرد کارگشای دیگری، ایستا نیست، جلوه‌هایی متفاوت داشته، دارای سیالیت و پویاست و به هم دلیل است که گاهی با اقدام نظامی به پیشروی می‌پردازد، گاهی در شکل مذاکره ظاهر می‌شود، گاهی در شکل ایجاد و تجهیز جنبش‌های مقاومت نمایان می‌گردد، گاهی با نرمش قهرمانانه جلوه‌گر شده و یا به اشکال دیگر اقدام، واکنش نشان می‌دهد، اما در کل، سوبه اصلی آن برآورده‌سازی اصول انقلاب اسلامی، تجدیدنظرطلبانه

و در بیشتر اشکال خود تهاجمی است. در این چارچوب، محور مقاومت هم، در کل امروز یک فرهنگ راهبردی دفاعی-امنیتی را تشکیل می‌دهد.

۴-۵- تمدن‌سازی مقاومت

چنانچه کارگزاران مقاومت بتوانند به خوبی از عهده تداوم آن بر آیند و تجدیدنظر در ساختاری منطقه‌ای و بین‌المللی را پدید آورند به گونه‌ای که قدرت‌های دیگر ساختارهای مدنظر آنها را بپذیرند، مقاومت وارد مرحله دیگری می‌شود که می‌توان از آن به عنوان تمدن‌سازی یاد کرد. تمدن‌سازی همچنین نیازمند تولید اندیشه در قالب یک فرهنگ است. در این راستا محور مقاومت به عنوان یک ساختار به عنوان یک فرهنگ راهبردی دفاعی-امنیتی می‌تواند به عنوان یک سازه فکری-تمدنی به شمار رود. بر این مبنا این تمدن‌سازی فرآیندی بلندمدت به معنی گام اول: ایجاد یک سازه فکری، پیش‌تیبانی قدرت از آن، ساختاریابی در یک شکل واحد (مثل محور مقاومت)، پذیراندن آن به قدرت‌های دیگر یعنی ساختارهای منطقه‌ای و ساختار بین‌المللی است. گام دوم: ارتقای سازه فکری و تداوم فرهنگ برآمده از آن و در نهایت گسترش آن در شکل ساختاری جدید در عرصه منطقه‌ای و جهانی با استفاده از قدرت است. از آنجا که انقلاب اسلامی، برپایه یک سازه اسلامی پدید آمده است، بنابراین، محور مقاومت می‌تواند به تمدن‌سازی دست زده و تمدنی را با عنوان تمدن نوین اسلامی پدید آورد. از نظر مقام معظم رهبری، «تمدن اسلامی، کشورگشایی نیست بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام است. ... گام نهایی در مراحل پنج‌گانه اهداف انقلاب اسلامی را تحقق «تمدن اسلامی» است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۲/۶: ۱) به این معنا که جمهوری اسلامی و محور مقاومت برآمده از گفتمان آن باید به یک الگوی جهانی تبدیل شود.

به علاوه در همین رابطه مقاومت، معظم رهبری فرموده‌اند: «جمهوری اسلامی یک نمونه است، یک منطقه آزمایش است برای دنیای اسلام. قبل از اینکه اسلام بر کشور ما حاکم بشود، یک ملت به تمام معنا عقب‌افتاده و وابسته بودیم؛ ... امروز پیشرفت‌های جمهوری اسلامی، دشمنان ما را هم وادار به اعتراف کرده است؛ امروز تقریباً بعد از گذشت ۳۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، ما در رتبه علمی، در رتبه فناوری، در بسیاری از دانش‌های نوین دنیا، در ردیف کشورهای پیشرفته قرار داریم. ... ملت ایران به برکت اسلام توانست هویت خود و شخصیت خود را نشان بدهد؛ این قابل تعمیم است؛ شرطش این است که سایه سنگین و شوم ابرقدرت‌ها بر سر کشورها نباشد؛ این شرط اول است؛ البته هزینه دارد. ... من ... می‌خواهم این

را بگویم که امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه می‌تواند تمدن اسلامی باب این دوران را طراحی کند، ... به ثمر برساند». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۰/۸: ۱)

مقام معظم رهبری تمدن را چنین تعریف می‌کنند: «تمدن یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی». (شاکری زواردهی و مولوی وردنجانی، ۱۳۹۷: ۱۰۳) بر این مبنا، تمدن نوین اسلامی در تعریف عبارت است از: «ظهور و بروز مادی و معنی پیشرفت‌های هدفمند، نظام‌مند و نوظهور امت اسلامی با محوریت ایران، بر اساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه‌های اجتماعی که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه اسلامی را به مقصد خود نزدیک می‌کند». (نجفی و غلامی، ۱۳۹۷: ۱۲۶) در عرصه منطقه‌ای در واقع این ظهور و بروز مادی در شکل محور مقاومت است که کارگزاران آن حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق، کتائب حزب‌الله عراق، انصارالله یمن، گروه‌های مبارز شیعی مثل فاطمیون در سوریه و... را تشکیل می‌دهند. آنها با محوریت ولایت فقیه در ایران و با همراهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نه تنها سازه‌فکری انقلاب اسلامی را بر اساس سیاست صدور انقلاب، به منطقه وارد می‌کنند، بلکه با تجدیدنظر در ساختارهای منطقه‌ای تحت سلطه استکبار، ساختار تمدنی نوین اسلامی را در منطقه ایجاد می‌نمایند. تمدنی که با ایجاد ساختارها معنوی و مادی، آرام‌آرام در امت اسلامی نفوذ کرده و راه خود را باز خواهد کرد و امت اسلامی با دیدن نتایج مقاومت در برابر استکبار، به سوی پذیرش و تبلیغ برای آن سوق خواهد داد. «امروز، وظیفه امت اسلامی تنها این نیست که به یادبود ولادت پیغمبر یا بعثت پیغمبر جشن برپا کند؛ این کار کوچک و کمی است نسبت به آنچه وظیفه‌ی او است. دنیای اسلام امروز وظیفه دارد مثل خود اسلام و مثل خود پیغمبر، روحی در این دنیا بدمد، فضای جدیدی ایجاد کند، راه تازه‌ای را باز کند. ما به این پدیده‌ای که در انتظار آن هستیم می‌گوییم «تمدن نوین اسلامی». ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم برای بشریت؛ این تفاوت اساسی دارد با آنچه قدرتها درباره بشریت فکر می‌کنند و عمل می‌کنند؛ این به معنای تصرف سرزمین‌ها نیست؛ این به معنای تجاوز به حقوق ملت‌ها نیست؛ این به معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملت‌ها نیست؛ این به معنای عرضه کردن هدیه الهی به ملت‌ها است، تا ملت‌ها با اختیار خود، با انتخاب خود، با تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند. راهی که امروز قدرتهای جهان ملت‌ها را به آن راه کشانده‌اند، راه غلط و راه گمراهی است. این وظیفه‌ی امروز ما است». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۰/۸: ۱)

نتایج این مقاومت را که به ایجاد تمدن نوین اسلامی به عنوان گام دوم انقلاب اسلامی ختم شده است و در واقع همانا برکات برآمده از سازه فکری انقلاب و در واقع برکات بزرگ

انقلاب اسلامی است، مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی چنین بر می‌شمرند: «یک) ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران، دو) موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی، سه) به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی، چهار) ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم، پنج) سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور، شش) افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه، هفت) ایستادگی روزافزون در برابر قلدوران و زورگویان و مستکبران جهان». (مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷: ۷-۵)

نتیجه‌گیری

بر اساس بررسی مؤلفه‌های مقاومت به عنوان یک راهبرد، مقاومت آرمان‌خواه بیش‌ترین توجه خود را بر قدرت نرم‌افزاری معطوف داشته و باور دارد که قدرت فرهنگی و ایدئولوژی مذهبی در چارچوب گفتمانی آن، همچون گفتمان انقلاب اسلامی، می‌تواند موجب ایستادگی و بقای یک واحد ملی شود. با این حال در زمینه قدرت سخت نیز مقاومت آرمان‌خواه تمایل به خودکفایی در عرصه‌های اقتصادی و نظامی دارد، بر همین مبنا به در عرصه اقتصادی اقتصاد مقاومتی را مورد توجه قرار داده است و در زمینه نظامی توسعه دانش و فناوری بومی نظامی را مد نظر دارد، به علاوه در حوزه علوم انسانی که مربوط به فرهنگ، ارزش و ایدئولوژی تغذیه کننده و زیرساخت آن است به توسعه علوم انسانی بومی توجه دارد. مقاومت آرمان‌خواه به وجود آتارشی (هرج و مرج در نظام بین‌الملل توجه دارد و از آن با عنوان نظام جنگل یاد می‌کند، بنابراین به اصل بقا با حداکثر توان خوداتکایی اعتقاد دارد. مقاومت آرمان‌خواه ضمن تعمیق راهبرد عدم‌تعهد فعال، تجدیدنظرطلب نیز هست و برای تغییر ساختار نظام سلطه با آن مقابله می‌کند. در مقاومت آرمان‌خواه، هم واحدهای ملی از خاصیت تغییر ساختار نظام بین‌الملل برخوردارند، بلکه گروه‌های فروملی نیز این توان را دارند، مشروط بر اینکه در یک شبکه عمده با یک قدرت حداقل منطقه‌ای قرار داشته باشند. با چنین وضعیتی، مقاومت آرمان‌خواه به گسترش گفتمانی یک قدرت منطقه‌ای در میان گروه‌های مقاومت فروملی منطقه‌ای باور دارد و با استفاده از این شبکه در راستای نفی ساختار نظام بین‌الملل که سلطه را ترویج می‌کند تلاش می‌کند و می‌خواهد با اصل ساختار سلطه مقابله کند، به همین جهت نیز در برابر آن مقاومت می‌نماید، به این ترتیب، مقاومت آرمان‌خواه تجدیدنظرطلب است.

منابع

کتاب

- قرآن کریم

- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌ها، تهران، نشر قومس، چاپ سوم

- استیون ای لابل و دیگران (۱۳۹۵)، رئالیسم نوکلاسیک دولت و سیاست خارجی، ترجمه مهدی ذوالفقاری، خرم‌آباد: دانشگاه لرستان

- جیمز دوئرتی، رابرت فالتزگراف (۱۳۸۳)، نظریه متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: قومس، چاپ سوم

- علیرضا ازغندی، جلیل روشندل (۱۳۹۲)، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهاردهم

- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۷)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، سمت، چاپ بیست و سوم

- لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌های موازنه قوا، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

- معنوی، احمد (۱۳۸۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بستر منافع ملی؛ با نگاهی بر روابط ایران و عربستان، تهران، مؤسسه انتشارات کتاب دانشجو

- منصور، جهانگیر (۱۳۹۶)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دیدآور، چاپ صد و بیستم

- میرشایمر، جان ج (۱۳۹۰)، تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، تهران، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم

- والتز، کنت (۱۳۸۶)، اندیشه واقع‌گرایی و نظریه نوواقع‌گرایی، در: اندرو لینکلتر، نوواقع‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب برسازي، ترجمه علیرضا طیب، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

مقالات

- خلیلی، محسن (۱۳۹۰)، مناسبات فرامرزی روزگار قاجار: روابط خارجی یا سیاست خارجی؟، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۴۸، پاییز

- سعید عطار و آذر علی‌محمدی (۱۳۹۵)، راهبرد تنش‌زدایی در سیاست خارجی ایران (۱۳۸۴)-

- ۱۳۶۸؛ درس‌هایی برای آینده، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۰، شماره ۳، پاییز
- روح‌الله شاکری زواردهی، عیسی مولوی وردنجانی (۱۳۹۷)، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین دینی با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۵، زمستان
- طاهایی، سیدجواد (۱۳۸۵)، جایگاه قانون اساسی در سیاست خارجی، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۱، پاییز
- عباسی، مجید (۱۳۹۷)، نظام سلطه و تعارضات آن در روابط بین‌الملل در گفتمان مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره ۲۵ (۵۵)، تابستان
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۱)، فرهنگ راهبردی و دفاع ملی؛ مطالعه موردی جنگ تحمیلی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره سوم، پاییز
- کیهان برزگر، مسعود رضایی (۱۳۹۵)، راهبرد دفاعی ایران از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۷۴، زمستان
- مصطفی کدخدایی، شهرام عسکری حصن (۱۳۹۸)، دکترین امنیتی ج.ا. ایران با تأکید بر بازدارندگی فعال و حفظ ضربه دوم، ماهنامه پژوهش ملل، شماره ۴۷، آبان
- موسی نجفی، رضا غلامی (۱۳۹۷)، انقلاب اسلامی و نقش محوری آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دکترین امامت، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۵، زمستان

پایان‌نامه

- عیسی‌بیگی، فاطمه (۱۳۹۱)، تحول مواضع پاکستان نسبت به طالبان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، کرج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

خبرگزاری

- مقام معظم رهبری (۱۳۸۳)، بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی، تارنمای رسمی مقام معظم رهبری، ۱ تیر، قابل دریافت در:
- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3236>
- مقام معظم رهبری (۱۳۸۷)، مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی، تارنمای رسمی مقام معظم رهبری، ۱۹ دی، قابل دریافت در:
- <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1140#63964>
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۴)، بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت

- اسلامی، تارنمای رسمی مقام معظم رهبری، ۸ دی، قابل دریافت در:
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2634#57137>
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۴)، دیدار نخست‌وزیر الجزایر با رهبر انقلاب، تارنمای رسمی مقام معظم رهبری، ۳ آذر، قابل دریافت در:
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1140#61131>
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۵)، بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، تارنمای رسمی مقام معظم رهبری، ۳۱ مرداد، قابل دریافت در:
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1140#63678>
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۵)، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، تارنمای رسمی مقام معظم رهبری، ۶ خرداد، قابل دریافت در:
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1140#61124>
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۶)، بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، تارنمای رسمی مقام معظم رهبری، ۳۰ اردیبهشت، قابل دریافت در:
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1140#68265>
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۶)، بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس، تارنمای رسمی مقام معظم رهبری، ۳ خرداد، قابل دریافت در:
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1140#65288>
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۷)، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، تارنمای رسمی مقام معظم رهبری، ۱۶ شهریور، قابل دریافت در:
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1079#71695>
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، تارنمای رسمی مقام معظم رهبری، ۲۲ بهمن، قابل دریافت در:
<http://www.farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

English Resources

Books

- Jack C. Plano, and Roy Olton, (1982), **The International Relations Dictionary**, Third Edition, California: ABC-Clío
- Snyder, Jack L. (1977), **The Soviet Strategic Culture: Implications for Limited Nuclear Operations**, A Project AIR FORCE Report Prepared for the United States Air Force, Santa Monica, CA: Rand
- Waltz, Kenneth M. (1979), **Theory of International Politics**, Mass: Addison Wesley Publishing

Articles

- Barzegar, Keyhan (2010), **Iran's Foreign Policy Strategy after Saddam**, **The Washington Quarterly**, Vol. 33, No. 1
- Ted Carpenter, Galen and Malou Innocent (2007), **The Iraq War and Iranian Power**, **Survival**, Vol. 49, No. 4, Winter
- Gray, Colin (1981), **National Style in Strategy: The American Example**, **International Security**, Vol. 6, No. 2, Fall
- Porter, Michel (1996), **What is strategy?**, **Harvard Business Review**, Vol. 74, No. 6

Site

- Cook, Steven (2020), **The Only Sensible Iran Strategy Is Containment, Foreign Policy**, 29 Janury, p. 1, at: <https://foreignpolicy.com/2020/01/29/iran>
- Katzman, Kenneth (2020), **Iran's Foreign and Defense Policies**, **Congressional Research Service**, CRS Report No. R44017, 29 April, pp. 1-54, at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/R44017.pdf>

